

باب پنجم - الواح مبارکه درباره سید افغانی

جمال مبارک میفرماید قوله تعالی :

“سبحان الله این ایام ظاهر شد آنچه که سبب حیرتست از قراریکه شنیده شد نفسی وارد مقر سلطنت ایران گشت و جمعی بزرگان را باراده خود مسخر نمود فی الحقیقة این مقام مقام نوحه و ندبه است شخص مذکور درباره این حزب در جرائد مصر و دائرة المعارف بیروت ذکر نموده آنچه را که سبب تحیر صاحبان آگاهی و دانش گشت و بعد بیاریس توجه نمود و جریده ای باسم عروة الوثقی طبع کرد و باطراف عالم فرستاد و بسجن عکا هم ارسال داشت و باین سبب اظهار محبت نمود و مقصودش تدارک مافات بوده باری اینمظلوم درباره او صمت اختیار کرد” انتهى

و در لوح ابن اصدق میفرماید قوله تعالی :

“سید جمال الدین افغانی بزرگان ایران را بزنجیر ظنون و اوهام بخود کشیده بقسمی که در فساد با او شریک شده‌اند و آن شخص تا در مصر بود کمال عداوت را باین حزب من غیر جهت ظاهر نمود و نوشت آنچه را که سزاوار خود او بوده و همچنین در بیروت مکتوبی نوشته و به پطرس که بطبع دائرة المعارف مشغول بود داده و آن جاهل بیخبر هم در کتاب خود طبع نموده و انتشار داده و بعد بیاریس رفته و در آن مدینه ورقه اخباری طبع نموده و اسمش را عروة الوثقی گذارده و در هر هفته خدمت سیدی و مولائی حضرت غصن الاعظم روحی و ذاتی لترات قدومه الاطهر فداء ارسال مینمود و اظهار دوستی نموده و خواهش کرد که آنچه اراده فرمایند ارسال دارند تا طبع شود و لکن این خواهش مقبول نیفتاد و بعد قصد ایران نمود و تفصیل ما بعد را البته استماع نموده‌اید باری عجب در اینکه همچو نفسی معززه را بر نشر فساد خود تأیید نمود” انتهى